

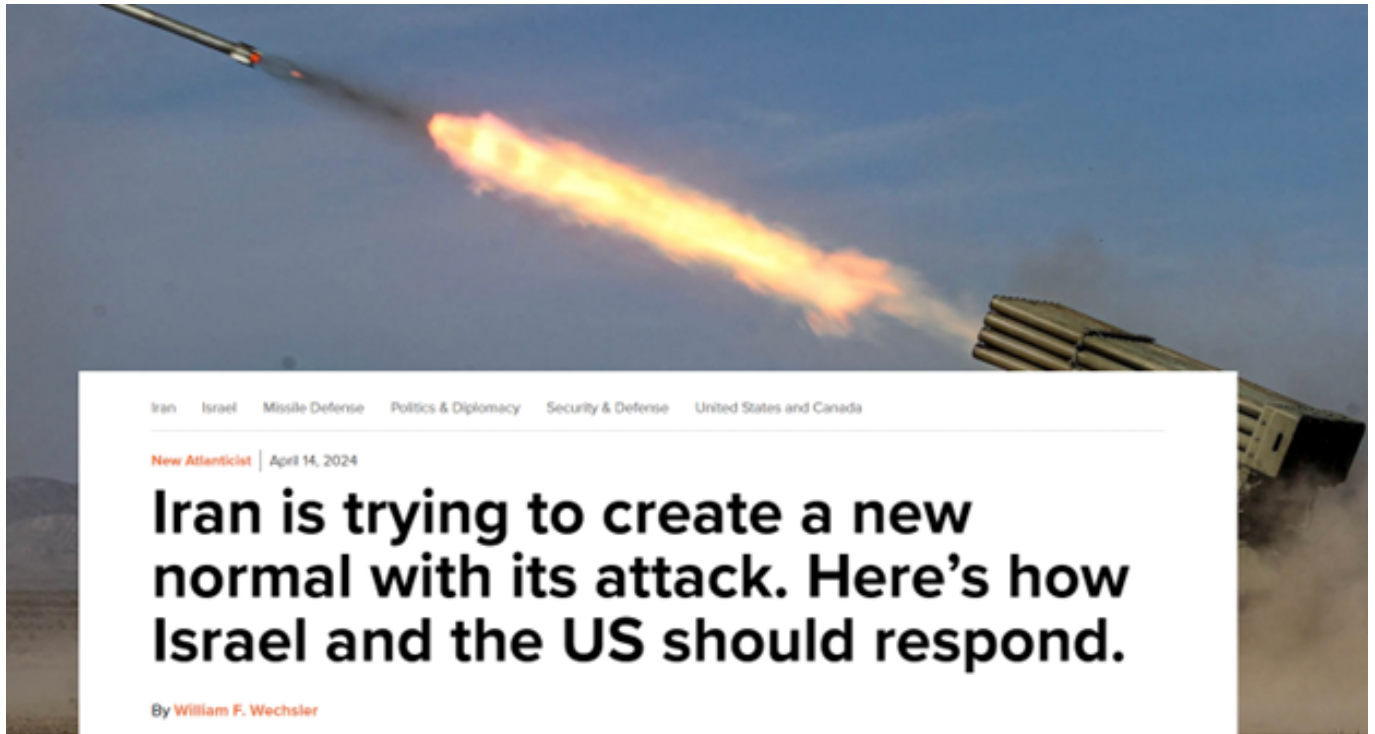
ایران به دنبال تثبیت یک «عادی جدید» در منطقه/ اهداف ایران در حمله سنجیده و منطقی بود



شناسه خبر: ۱۴۱۰۴۳ چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ - ۱:۱۸:۰۱

اندیشکده‌ی «شورای آتلانتیک»، به عنوان یکی از متنفذترین اتاق‌های فکر و مراکز تعیین سیاست خارجی در ایالات متحده، در گزارشی به قلم «ویلیام اف. وچسler» به حمله‌ی ایران به رژیم اسراییل واکنش نشان داد.

به گزارش سرویس جهان مشرق، اندیشکده‌ی «شورای آتلانتیک»، به عنوان یکی از متنفذترین اتاق‌های فکر و مراکز تعیین سیاست خارجی در ایالات متحده، در گزارشی به قلم «ویلیام اف. وچسler» به حمله‌ی ایران به رژیم اسراییل واکنش نشان داد.



وچسلر نوشت:

"از نظر عملیاتی، ایران یک سیگنال غیرقابل انکار ارسال کرد که می‌خواهد از تشدید بیشتر که می‌تواند جرقه یک جنگ واقعاً منطقه‌ای را ایجاد کند، اجتناب کند. این کشور حملات دوربردی را انتخاب کرد که به آسانی می‌توانست با دفاع شناخته شده اسرائیل خنثی شود و مشخصاً هیچ تأسیسات ایالات متحده را هدف قرار نداد. همه این کارها را در حالی انجام داد که بیانیه‌های فوق‌العاده‌ای (به زبان انگلیسی) صادر می‌کرد که «موضوع را می‌توان به نتیجه رساند» و «ایالات متحده باید دور بماند!» (تاکید در اصل).

این تحلیل تأکید دارد که برای بسیاری از مردم در سراسر منطقه که مملو از تصاویر رنج فلسطینیان هستند، برداشت آن‌ها از ایران هرگز این اندازه مثبت نبوده است، زیرا این کشور به تنهایی در مقابل اسرائیل «ایستاده است» – قبلاً از طریق نیروهای نیابتی و اکنون نیز به طور مستقیم. به علاوه، وجود گزارش‌هایی مبنی بر دفاع فعال اردن از اسرائیل در

مقابل ایران، دوگانگی بین تهران را که خود را رهبر مقاومت علیه «هیت صهیونیستی» معرفی می کند و دولت های عربی که از نظر بسیاری از شهروندان شان به عنوان مخفیانه دستورات اسرائیل را انجام می دهند، تشدید می کند.

شورای آتلانتیک، برداشته شدن تمرکز و توجه غرب از برنامه های هسته ای آن را یک دستاورد برای جمهوری اسلامی معرفی کرد:

"در همین حال، برنامه هسته ای ایران از صفحات اول خارج شده است و تا حد زیادی بدون مانع به پیشرفت خود ادامه می دهد و از نقاط عطفی که زمانی به طور گسترده غیرقابل قبول تلقی می شد، جهش کرده است. علاوه بر این، ایران تاکنون از ایجاد هرگونه خطر واقعی برای حزب الله، جواهر تاج شبکه نیابتی خود اجتناب کرده است، زیرا ظرفیت حمله دوم حزب الله به جلوگیری از حمله اسرائیل به زیرساخت های هسته ای ایران کمک می کند. ایران به دنبال خروج آمریکا از منطقه است. آخرین چیزی که می خواهد این است که یک جنگ منطقه ای گسترده تر را برانگیزد که خطر رویارویی مستقیم نظامی آمریکا و ایران را به همراه داشته باشد."

از نظر نویسندگی این تحلیل، از نظر استراتژیک، تهران همچنین به دنبال ایجاد یک «سابقه» جدید بود که ماهیت درگیری جاری با اسرائیل را به نفع خود تغییر دهد. سابقه این است که ایران می تواند مستقیماً به اسرائیل حمله کند، می تواند این کار را از خاک ایران انجام دهد و اسرائیلی ها را در داخل اسرائیل هدف قرار دهد.

بنابراین، ایران از سناریوی پیروی می کند که برای دهه ها آن را تقویت کرده است: آزمایش مجموعه جدیدی از اقدامات بدخیم، ارزیابی پاسخ از سوی دشمنان، و اگر این پاسخ ها حداقل یا موقتی تلقی شوند، آن اقدامات را به عنوان یک حالت عادی (نرمال) جدید تثبیت می کند که به طور ضمنی پذیرفته شده است. این الگو نشان می دهد که چگونه ایران به تنها کشوری در جهان تبدیل شد که به طور معمول به نیروهای نیابتی غیردولتی سلاح های دقیق می رساند و به آن ها دستور می دهد تا مقاصد را در آن سوی مرزهایش هدف قرار دهند - و چگونه بقیه جهان آن قدر به این واقعیت خو گرفته اند که اکنون به ندرت مورد اشاره قرار می گیرد.

از منظر این گزارش، در ماه‌های اخیر، ایران قبلاً چندین «عادی جدید» را با موفقیت ایجاد کرده است که در جهت منفعت بلندمدت آن عمل می‌کند: از طریق حوثی‌ها، توانایی جدیدی را نشان داده است که هر زمان که بخواهد و برای هر کسی که بخواهد، تنگه باب المندب را ببندد. از طریق حزب الله، توانایی خود را برای تهدید اسرائیلی‌ها در داخل قلمرو آن نشان داده که اکنون مجبور به جابجایی گسترده داخلی نیروهای خود می‌شود. و ایران با اقدامات خود، بار دیگر توانایی خود را در توقیف شناورها در نزدیکی تنگه هرمز نشان داده است و در مقابل محکومیت بین‌المللی اندکی را برای انجام این کار به خود جلب می‌کند. اگر تهران به طور مشابه در ایجاد این سابقه که می‌تواند مستقیماً اسرائیلی‌ها را از ایران هدف قرار دهد، موفق باشد، پس از این که تهران به یک قدرت اعلام شده تسلیحات هسته‌ای تبدیل شود، وضعیت عادی جدید به طور ویژه ارزشمند خواهد شد.

ویلیام وچسلر سپس یک دستاورد دیپلماتیک مهم را برای ایران برجسته می‌کند. به باور او، از نظر دیپلماتیک، ایران همچنین امیدوار بود که هم محدودیت‌های قدرت ایالات متحده و هم قابل‌اعتماد بودن خود را نشان دهد. ایالات متحده برای چندین دهه به امنیت اسرائیل متعهد بوده است و جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، شخصاً تعهد خود را به این هدف نشان داده است. با این حال، ایران می‌تواند مستقیماً اسرائیل را تهدید کند، بدون این که واکنش نظامی ایالات متحده را به راه بیندازد. با حمله‌ی اخیر ایران، این کشور احتمالاً قصد دارد عربستان سعودی و سایر دولت‌های عربی خلیج فارس این درس را بیاموزند که نباید به چتر امنیتی غیر قابل اعتماد و بی‌اثر ایالات متحده وابسته باشند، و به‌ویژه اگر این امتیاز {پیشنهادی از سوی آمریکا} برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل باشد.

وچسلر این را هم اضافه کرد که به طور مشابه، ایران امیدوار است متحد خود، روسیه و شریک اقتصادی اصلی خود، چین را تشویق کند تا اسرائیل را به دلیل تشدید تنش‌ها مقصر بداند و هوای ایران را در شورای امنیت سازمان ملل داشته باشند. از نظر این کارشناس شورای اتلانتیک، این احتمالاً یک استراتژی موفق است. پس از شش ماه، شورای امنیت سازمان ملل هنوز نتوانسته است حماس را به‌خاطر حملاتش علیه اسرائیل به‌صراحت محکوم کند، بنابراین احتمال دارد شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب نکند که آشکارا ایران را به‌خاطر اقداماتش محکوم کند.

گام‌های بعدی اسرائیل و آمریکا

تحلیل‌گر شورای اتلانتیک تاکید کرد که اهداف ایران منطقی و سنجیده بود و با درک نقاط قوت خود و نقاط ضعف حریف بازی کرد. او مدعی شد که حتماً باید پاسخی به اقدامات ایران در دستور کار باشد، چرا که به زعم او نه اسرائیل و نه ایالات متحده نباید اجازه دهند ایران به اهداف ذکر شده در بالا دست یابد. با این حال او معتقد است که درخواست‌ها برای حمله نظامی فوری به خاک ایران به همان اندازه که بی‌پروا است و غیرعقلانه است.

این گزارش در توصیه به رژیم اسرائیل و متحدان نوشت:

"در ماه‌های آتی، حتی زمانی که اسرائیل بدون هیچ مانعی به «جنگ بین جنگ‌ها» ادامه می‌دهد، اولویت اصلی اسرائیل باید دستیابی به اهداف نظامی خود علیه حماس باشد: از بین بردن سر رهبری آن، برچیدن زیرساخت‌های تونل‌ها و نابودی تیپ‌های نظامی باقی‌مانده‌اش. باید این کار را در حالی انجام دهد که با ایالات متحده برای محافظت بسیار بهتر از غیرنظامیان در غزه، برقراری امنیت داخلی در آن‌جا و جلوگیری از تشکیل مجدد حاکمیت حماس، و بهبود گسترده شرایط بشر دوستانه برای فلسطینیان بی گناه، کار می‌کند. هیچ چیزی بیشتر از این که شریک ایران در غزه شکستی غیرقابل انکار را متحمل شود، به روایت ایرانی آسیب نمی‌رساند."

طبق دعوی این تحلیل، اگر اسرائیل پس از دستیابی به اهداف نظامی خود علیه حماس، بتواند شجاعت سیاسی و خرد راهبردی را برای پذیرش اصل پیشنهادی ایالات متحده مبنی بر «مسیری زمان‌دار و غیرقابل بازگشت به سوی یک کشور فلسطینی» به دست آورد، تهران با شکست راهبردی ویرانگرتری مواجه خواهد شد. بر اساس توصیه نویسنده، اسرائیل باید مذاکرات حسن نیت خود را در مورد چگونگی عملیاتی کردن این شروط آغاز می‌کند و در این میان روابط خود را با عربستان سعودی که روابط امنیتی خود را با ایالات متحده تقویت کرده است، عادی کند، چرا که دولت بایدن بیش از یک سال است که بلندپروازانه به سمت این سناریو پیش می‌رود و تشخیص می‌دهد که دستیابی به این سناریو اساساً ژئوپلیتیک منطقه را تغییر می‌دهد - همه اینها به ضرر راهبردی تهران و شبکه نیابتی آن است.

طبق توصیه شورای آتلانتیک، در عین حال، ایالات متحده باید کارزار خود را علیه حوثی‌ها از ماموریتی که برای دفاع از کشتی‌رانی بین‌المللی و کاهش توانایی‌های حوثی‌ها در دریای سرخ تعریف شده است، به ماموریتی که همچنین به دنبال ایجاد بازدارندگی با از بین بردن رهبری حوثی‌ها از طریق حملات هوایی است، گسترش دهد، چرا که ایالات متحده در چنین عملیات‌هایی در یمن پس از سال‌ها انجام آن علیه رهبران القاعده در شبه جزیره عربستان، عمیقاً تجربه دارد. ایالات متحده باید این حملات را انجام دهد تا زمانی که حوثی‌ها به طور دائم حملات خود را به کشتی‌های بین‌المللی متوقف کنند

انتهای پیام/